

## سرهنگ احمد اخگر

### روزنامه‌نگار و شاعری مذهب‌گرا و سیاستمدار

#### محسن روستایی

احمدخان فرسیو معروف و متخلص به اخگر، فرزند حاجی میرزا ابراهیم مشهور به ملاباشی، در شب دوشنبه دوم شوال ۱۳۰۷ق. در شهر تهران و در خانه پدری خود واقع در خیابان برق کوچه میرزا محمود وزیر مقابل حمام قوام‌الدوله دیده به جهان گشود.<sup>۱</sup> پدرش موسوم به ملاباشی از مجتهدان زمان بود که از راه تعلیم امرار معاش و با قناعت زندگی می‌کرد. وی چند سالی نیز در کتابخانه مدرسه عالی سپهسالار به کار اشتغال داشته است.<sup>۲</sup>

مادرش دختر حاج غلامعلی ایرایی (ایرا قریه‌ای است در مشرق اسک لاریجان) بود که حاصل پیوند او با میرزا ابراهیم یازده اولاد بوده است. هفت تن از آنها در زمان حیات والدین خود وفات می‌کنند و یک دختر و سه پسر (از جمله میرزا احمد اخگر) در قید حیات باقی می‌مانند و به زندگی خود ادامه می‌دهند.<sup>۳</sup>

احمد اخگر در سال ۱۳۱۳ق. به اصرار پدرش به مکتبخانه سرگذر سپرده می‌شود تا در آنجا عمّ جزء و سایر دروس مقدماتی را نزد شیخ احمد مکتبدار فرا گیرد. با گذشت دو سال در سال ۱۳۱۵ق. برای تکمیل تحصیلات خود به مکتبخانه گذر عزت‌الدوله انتقال می‌یابد و نزد میرزای گرگانی به تحصیل می‌پردازد. پس از یک سال و نیم آموختن مقدمات، او را به مدرسه ادب می‌گذرانند. مدرسه ادب در آن موقع نزدیک حمام قبله و در جنوب تهران قرار داشت و یحیی دولت‌آبادی آن را تأسیس کرده بود.<sup>۴</sup> احمد اخگر در

۱. احمد اخگر، زندگی من در هفتاد سال تاریخ معاصر ایران. تهران، اخگر، ۱۳۶۶. ج ۱، ص ۱۲.

۲. احمد اخگر، «سرگذشت اخگر»، هفته‌نامه اخگر، سال ۱۳۲۷، شماره ۲۵، ص ۷۱ و ۷۲.

۳. همو، «سرگذشت اخگر»، مجله وحید، سال ۱۳۵۳، شماره ۴۰، ص ۲۰ و ۲۱.

۴. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، تهران، عطار و فردوسی، ۱۳۶۲. ج اول، ص ۲۵۴-۲۵۷.

مدرسه ادب صبح و عصر و به طور مستمر درس می‌خواند و نزد معلمانی که برای کار خود انگیزه کافی داشتند به تعلیم قرائت قرآن و فراگیری دروس ادبیات فارسی و عربی اشتغال داشت.<sup>۵</sup> پس از آن، به علت دوری راه در سال ۱۳۱۶ق. به مدرسه سپهسالار سپرده می‌شود تا در محضر علمای آن مدرسه، از جمله سید آقابابا پیش‌نماز و حجاج میرزا اسدالله یزدی، به تحصیل علوم دینی مشغول شود.<sup>۶</sup>

در سالهای بعد، میرزا احمد اخگر با مشورت پدر و نظر برادر بزرگ‌ترش دکتر میرزا علی خان بدیع‌الحکما اجازه می‌یابد که به مدرسه دارالفنون وارد شود تا از آن پس، یعنی در سال ۱۳۱۸ق. به بعد، به تکمیل علم همت گمارد. در این میان قسمت نظامی مدرسه دارالفنون به مدرسه نظام انتقال یافت. همزمان با این واقعه احمد اخگر نیز به آن مدرسه که با ریاست مخبر السلطنه (حاج مهدی قلی خان هدایت) کار خود را آغاز کرده بود وارد شد و در کلاسهای عالی مدرسه نظام به تحصیل پرداخت.<sup>۷</sup>

با آغاز نهضت مشروطه‌خواهی در ایران، احمد اخگر به صبغ ملیون و آزادیخواهان پیوست و با استبداد به مخالفت برخاست، و پس از فتح تهران که در آدینه روز ماه جمادی‌الثانی ۱۳۲۷ق. به دست مجاهدین انجام گرفت،<sup>۸</sup> وی با درجه ملازم سوم (نایب سوم) و فرماندهی یک رسد، در رمضان سال ۱۳۲۷ق. به خدمت ژاندارمری که به تازگی تحت ریاست مظفر اعلم (سردار انتصار) تشکیل شده بود، در آمد. پس از شش ماه خدمت در ژاندارمری از آنجا استعفا داد و بعد از چندی که بیکار بود، در سوم اردیبهشت ۱۳۲۸ق. با سمت محاسب در ادامه محاسبات باغات دولتی با حقوق ماهی سیصد ریال استخدام شد اما اخگر باز هم به سبب کم بودن حقوقش به ترغیب میرزا جوادخان سروش همکار و دوست آن زمان خود استعفا داد با این نیت که بار دیگر به تحصیلات خود ادامه دهد. اخگر در فروردین ماه سال ۱۳۲۹ق. به خدمت نظام وزارت جنگ وارد شد و دوره مدرسه کادر را به پایان رساند و پس از پایان آن دوره با درجه وکیل اولی و امتیاز شمشیربندی به فرماندهی رسد دوم یکی از گروهانهای پیاده‌نظام منصوب شد.<sup>۹</sup>

احمد اخگر چون به امور نظام علاقه داشت تصمیم گرفت به ژاندارمری دارایی ایران، که مورگان شوستر آمریکایی به نام ژاندارمری خزانه تشکیل داده بود، وارد شود.

۵. احمد اخگر. زندگی من در هفتاد سال... ص ۱۸.

۶. سید محمدباقر برفعی. سخنوران نامی معاصر ایران. قم، خرم، ۱۳۷۳. ج اول، ص ۱۹۲.

۷. احمد اخگر. هفته‌نامه اخگر.

۸. مهدی‌قلی خان هدایت (مخبر السلطنه). گزارش ایران. تهران، نشر نقره، ۱۳۶۳. ج ۳ و ۴، ص ۲۳۸.

۹. حسین مرسلوند. زندگی‌نامه رجال و مشاهیر ایران. تهران، الهام، ۱۳۶۹. ج اول، ص ۹۹.

در برج جدی ۱۳۲۹ق. با درجه نایب دومی طبق حکم خزانه‌داری کل اداره ژاندارمری مشغول به کار شد؛ اما پس از چندی بر اثر اولتیماتوم روسها شوستر به آمریکا بازگشت و ژنرال یالمارسن و عده‌ای از مستشاران سوئدی برای تشکیل ژاندارمری وارد ایران شدند و ژاندارمری سوئدی را تأسیس کردند و احمد اخگر هم، همراه با کلیه افسران ژاندارمری شوستری، وارد ژاندارمری سوئدی شد و در ۳۰ سنبله ۱۳۳۰ق. طی حکمی به رتبه نایب دومی نظام نائل گردید.<sup>۱۰</sup>

در جریان جنگ اول بین‌الملل، که نیروهای انگلیس در خاک وطن ما عرصه را بر مبارزان تنگ کرده بودند، شهر برازجان به صورت سنگر و مرکز مجاهدین و محور فعالیت‌های ضدبیگانه درآمده بود.<sup>۱۱</sup> احمد اخگر با سیصد تن از سربازان تحت فرمان خود در جبهه جنوب به عملیات نظامی برضد قوای انگلیس پرداخت و با همکاری یاورعلی خان پسیان و سایر مجاهدین خطه جنوب، از جمله رئیس‌علی دلواری و میرزا علی کازرونی در چغارک و اهرم توقف کرد و از هیچ‌گونه یاری به آنان دریغ نوزید.<sup>۱۲</sup>

در این گیرودار به سال ۱۳۳۴ق. انگلیسیها بر قوای نظامی ایران فایق آمده عرصه نبرد را بر وطن پرستان هر چه تنگ‌تر کردند. احمدخان اخگر صلاح کار را در آن دانست که در کسوت درویشی و به طور ناشناس از راه دشتستان به کرمانشاه عزیمت کرده به کمیته دفاع ملی (ریاست رضاقلی خان نظام‌السلطنه مافی) بپیوندد، کمیته‌ای که از نمایندگان مجلس شورای ملی دوره سوم و اعضای حزب دمکرات و دیگر رجال و شخصیت‌های ایرانی هواخواه آلمان و عثمانی تشکیل شده بود.<sup>۱۳</sup>

ظاهراً در همین دوران بوده است که احمد اخگر یکی از دبندگان خود را از دست می‌دهد.<sup>۱۴</sup> وی در دوره پنجم مجلس شورای ملی که از بهمن سال ۱۳۰۲ آغاز و تا ۲۲ بهمن ۱۳۰۴ش. ادامه داشت از طرف اهالی بوشهر، دشتی و دشتستان به نمایندگی مجلس انتخاب شد.<sup>۱۵</sup> همزمان با قتل ماژور ایلمیری سرکنسول آمریکا، فوت شیخ عبدالنبی، ترور میرزاده

۱۰. احمد اخگر. زندگی من در هفتاد سال... ص ۷۰.

۱۱. علیمراد فراتشندی. جنوب ایران در مبارزات ضداستعماری. تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۵. ص ۱۱۵.

۱۲. مظفر قهرمانی ایبوردی. تاریخ وقایع عشایری فارس. تهران، علمی، ۱۳۷۳. ص ۲۳۴ و ۲۳۵ و نیز ن. ک: علی فراتشندی، همان، ص ۳۰ و ۳۱.

۱۳. عبدالحسین شیبانی وحیدالملک. خاطرات مهاجرت. به کوشش ایرج افشار و کناهه بیات. تهران، شیرازه، ۱۳۷۸. ص ۲۱ و ۲۲.

۱۴. محمدحسین رکن‌زاده آدمیت. فارس و جنگ بین‌الملل. تهران، اقبال، ۱۳۴۹. ج اول، ص ۱۷.

۱۵. اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی تا دوره قانونگزاری و ... تهران، ۲۵۳۶. ص ۵۲-۵۶.

عشقی و تبعید رجال و سران بازار تهران، رضاخان سردار سپه خود را با مخالفت افکار عمومی روبه‌رو می‌بیند، اما همچنان چاره کار را در برقراری حکومت نظامی می‌داند.<sup>۱۶</sup> نقطه اوج این تقابل به مجلس شورای ملی نیز راه یافت. آیت‌الله سید حسن مدرس و یارانش برای جلوگیری از نقشه ریاست جمهوری رضاخان و تحکیم مبارزات سیاسی خود یک فراکسیون چهارده نفره به نام فراکسیون اقلیت در مجلس شورای ملی تشکیل دادند و عهدنامه‌ای بین خود به امضا رساندند. سید حسن مدرس در جلسه مورخ ۷ مرداد سال ۱۳۰۳ ش. متن استیضاح رضاخان سردار سپه را به مجلس پنجم تسلیم نمود. احمد اخگر همراه با سید ابوالحسن حائری‌زاده، عراقی، میرزا علی کازرونی، آیت‌الله سید حسن مدرس، میرزا محمد تقی خان ملک‌الشعرا بهار و سید حسن زعیم کاشانی از جمله امضاکنندگان این استیضاح بودند.<sup>۱۷</sup>

فراکسیون اقلیت مجلس دلایل استیضاح رضاخان را چنین برشمرد:

۱. سوء ریاست به داخله و خارجه؛
۲. قیام و اقدام برضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس شورای ملی؛
۳. تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت.<sup>۱۸</sup>

البته این استیضاح هیچ‌گاه به عمل در نیامد. از این رو، احمد اخگر، به اتفاق مرحوم مدرس و تنی چند از آزادیخواهان، با رضاخان به مبارزه علنی پرداخت و چون از ذوق ادبی برخوردار بود آثار و سروده‌های خود را به کمک صاحبان جرأید منتشر می‌ساخت و مخالفت خود را با رضاخان آشکارا بیان می‌کرد. نمونه این اشعار سیاسی در روزنامه قرن بیستم، که متعلق به میرزاده عشقی بود، به یادگار مانده است.<sup>۱۹</sup>

بدین ترتیب احمد اخگر در مجلس پنجم جزو اقلیت مجلس و در کنار سید حسن مدرس بود؛ اما دانسته نشد بعداً از چه رو، همراه با حائری‌زاده یزدی و میرزا علی کازرونی و ... همفکری و وحدت نظر خود را نسبت به موضع‌گیریهای سیاسی آیت‌الله مدرس از دست داد.<sup>۲۰</sup>

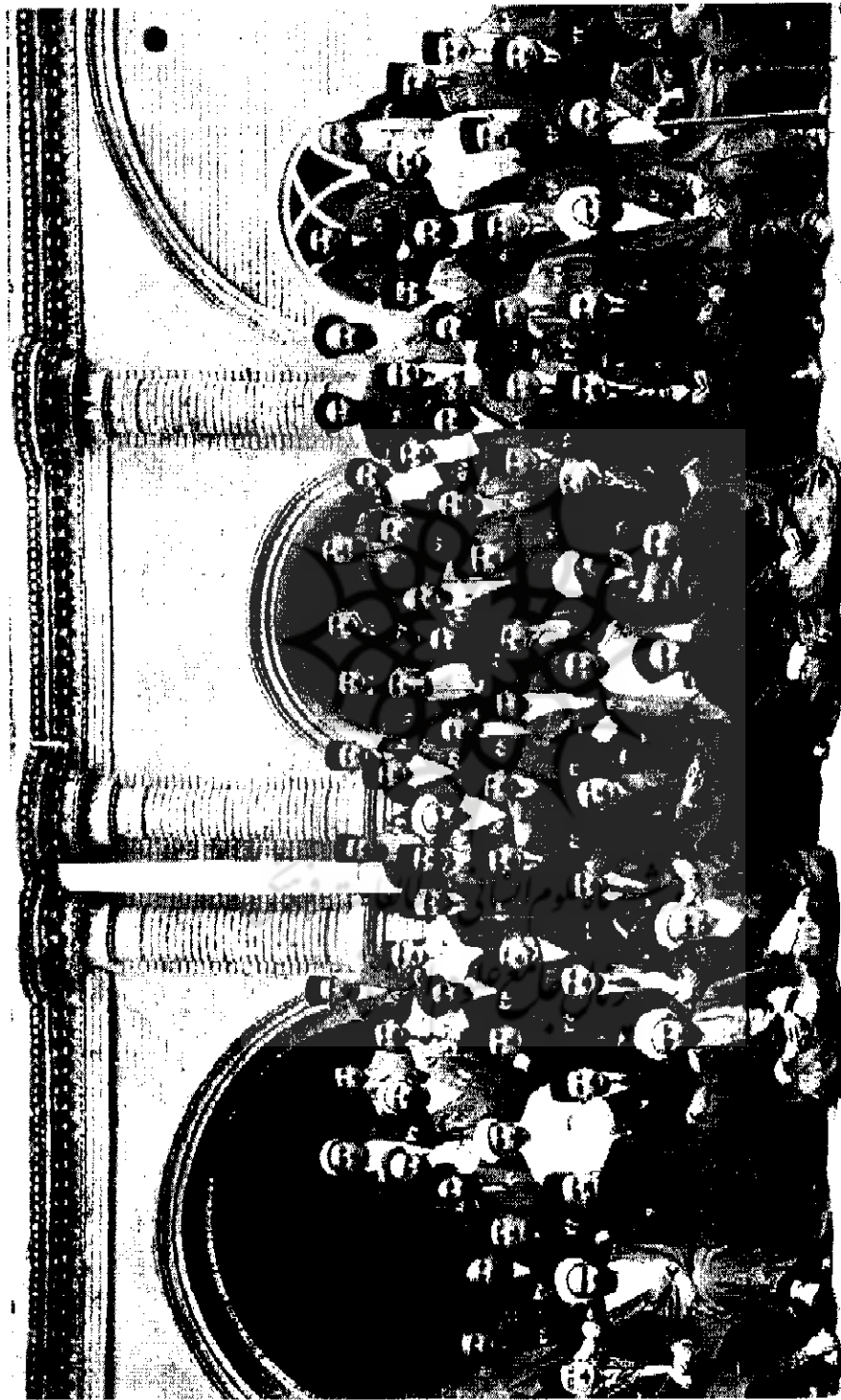
۱۶. عبدالعلی باقی. مدرس مجاهدی شکست‌ناپذیر. قم، گوا- نشر تفکر، ۱۳۷۰. ص ۶۴.

۱۷. عبدالله مستوفی. تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجار؛ یا شرح زندگی من. تهران، زوار، ۱۳۷۱. ج سوم، ص ۶۲۶ و ۶۲۷.

۱۸. حسین مکی. تاریخ بیست ساله ایران. تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷. ج سوم، ص ۱۲۷.

۱۹. حسن مرسلوند، همان، ص ۱۰۲.

۲۰. علی مدرس. مدرس. تهران، بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، ۱۳۶۶. ج اول، ص ۹۴.



عده‌ای از آقایان نمایندگان دوره پنجم تقنینیه مجلس شورایی | ۱۳۰۴-۱۳۰۴

پس از انحلال سلطنت قاجار، احمد اخگر به اجبار رضاشاه بار دیگر در نظام و ارتش نوین وارد شد و با سمت ریاست نظام وظیفه غرب کشور به کار پرداخت. در این فاصله به مدت بیست و یک سال بدون ترفیع درجه با منصب سرهنگی تحت مراقبت پلیس سیاسی (در عصر رضاشاه) و مأموران امنیتی در روزگار محمدرضا شاه پهلوی قرار داشت.<sup>۲۱</sup> با وجود این، سرهنگ احمد اخگر در ادامه مبارزات سیاسی و تلاشهای فرهنگی و مذهبی خود هیچ‌گاه به جریانات روز بی‌اعتنا نبود و در دوران حکومت رضاشاه به چاپ و انتشار کتابهای اخلاقی و آموزشی پرداخت که نمونه آن چاپ قرآن مجید و کتب دیگری مانند بیچون‌نامه و اسرار خلقت و امثال منظوم می‌باشد. اخگر کتاب بیچون‌نامه و اسرار خلقت را در جواب چون و چراهای عبدالحسین بهمنی که راجع به آفرینش، از یزدان پاک، شکایت کرده به سال ۱۳۱۵ سروده است، و دیگر شاعران ایرانی نیز از اقصی نقاط ایران به حمایت از احمد اخگر با سروده‌های نغز خود پاسخ چون و چراهای بهمنی را داده‌اند.<sup>۲۲</sup>

افزون بر این، احمد اخگر کتاب امثال منظوم را در سال ۱۳۱۸ ش. سروده و تنظیم کرده است که در این اثر قریب پنج هزار ضرب‌المثل گردآوری شده است. طرز نگارش کتاب چنین است که ابتدا سه‌چهار مثل تقریباً به همان صورتی که در میان عامه رایج است ذکر و بعد مضمون همان ضرب‌المثلها در یک دوبیتی گنجانیده شده است. این کتاب با همه مهارت و هنرمندی‌ای که اخگر در نظم آن به کار برده از نظر اصول ضبط فولکلورها ارزش زیادی ندارد؛ زیرا این گونه تفننهای ادبی توجه خواننده را از خود ضرب‌المثل و از زیبایی ساده و طبیعی آن منحرف می‌کند.<sup>۲۳</sup> با بروز جنگ جهانی دوم و واقعه شهریور ۱۳۲۰ احمد اخگر در جهت مبارزه با قوای متجاوز شوروی و انگلستان در صدد ایجاد یک تشکل نظامی مخفی برآمد ولی این حرکت را جاسوسان انگلیسی کشف کردند و اخگر که در اصفهان با درجه سرهنگی انجام وظیفه می‌کرد همراه با سرتیپ کویال، سرهنگ جهان‌بیگلو و سرهنگ افسطی به بهانه طرفداری از آلمانیها و با نظر نیروهای متفق در ساعت ۸/۵ صبح هشتم شهریور ۱۳۲۲ بازداشت و به بازداشتگاه شهر اراک منتقل شد.<sup>۲۴</sup>

اخگر دو سال در زندان اراک به سر برد؛ اما این دوران برای او فرصت مناسبی بود تا

۲۱. دینشاه ایرانی سلیسیتر. سخنوران دوران پهلوی. بهمنی، بی‌تا، ۳۱۳، ص ۵۹ و ۶۰.

۲۲. احمد اخگر، اسرار خلقت (اثر منظوم)، به سعی و اهتمام محمد عطاری، تهران، اسلامیه، بی‌تا، ص ۳۱ و ۳۲ و...

۲۳. یحیی آریانپور، از نیما تا روزگار ما، تهران، زوار، ۱۳۷۴، ج سوم، ص ۴۵۸؛ و نیز ن. ک. خانابا، مشار، مؤلفین

کتاب چاپی فارسی و عربی، تهران، بی‌تا، ۱۳۴۰، ص ۳۴۹.

۲۴. صفاءالدین تبرانیان، ایران در اشغال متفقین، تهران، رسا، ۱۳۷۱، ص ۴۱۰.

به مطالعه و تحقیق بپردازد؛ خلق آثاری چون کتاب علم عروض و قافیه و ترانه‌های اخگر حاصل روزگار حبس او به شمار می‌رود. سرهنگ احمد اخگر در سیزدهم خرداد ماه سال ۱۳۲۴ بدون دادن تعهد از زندان رهایی یافت.<sup>۲۵</sup> از آن پس به صنف جریده‌نگاران پیوست و به فاصله دو دوره، از سال ۱۳۲۴ تا ۱۳۳۹، دو بار هفته‌نامه ادبی - اجتماعی اخگر و همچنین سالنامه اخگر را منتشر ساخت.<sup>۲۶</sup>

سرهنگ احمد اخگر در چهاردهم مرداد سال ۱۳۲۶ بازنشسته شد و فرصت مناسبی یافت تا بتواند هم خود را در راه تعالی علم و ادب مصروف دارد. ولی علاوه بر تلاشهای فرهنگی و ادبی از حمایت مخالفان دولت، که در لباس نظامی مشغول مبارزات سیاسی بودند، غافل نبود و با عنوان رئیس کانون وکلای مدافع ارتش جان عده‌ای را از مرگ نجات بخشید.<sup>۲۷</sup>

سرهنگ احمد اخگر یک بار هم به عتبات عالیات سفر کرد و پس از کسب اجازه از آیت‌الله حکیم و آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی به چاپ قرآن کریم پرداخت که یکی از نفیس‌ترین چاپهایی است که تاکنون از کلام‌الله مجید عرضه شده است. دقت در حروف و حرکات، استفاده از کاغذ اعلی و خط خوش نستعلیق از مختصات این قرآن به شمار می‌رود. این قرآن اولین قرآنی است که به خط نستعلیق نگاشته شده است.<sup>۲۸</sup>

در جریان ملی شدن صنعت نفت بار دیگر اخگر به صحنه سیاست قدم گذاشت و از طرف مردم بوشهر برای دومین بار به نمایندگی مجلس شورای ملی در دوره هفدهم برگزیده شد و در کنار دکتر محمد مصدق و آیت‌الله کاشانی جهت تحقق بخشیدن حقوق ملت ایران به صحنه بیکار گام نهاد. اهالی بوشهر در این دوران به او علاقه و اعتماد زیادی داشتند و احمد اخگر نیز از جمله وکلای مردمی به شمار می‌رفت که همیشه در خانه‌اش برای رفع مشکلات به روی مردم باز بوده است.<sup>۲۹</sup>

در سال ۱۳۳۱ دکتر محمد مصدق (نخست‌وزیر) پس از اینکه تصدی وزارت جنگ را از شاه خواستار شد و محمدرضا شاه پهلوی از پیشنهاد او سر باز زد، از سمت نخست‌وزیری استعفا داد. در پی این رویداد، نمایندگان طرفدار جبهه ملی مجلس در بیست و ششم تیرماه ۱۳۳۱ تعهدنامه‌ای را امضا کردند که به تشکیل فراکسیون ملی

۲۵. عباس شایان. شرح حال رجال معاصر مازندران. تهران، ۱۳۲۷. ص ۱۱۱.

۲۶. مسعود برزین. شناسنامه مطبوعات. تهران، بهجت، ۱۳۶۱. ص ۳۶. و نیز ن. ک: احمد اخگر. سالنامه اخگر، سالهای ۱۳۲۸ و ۱۳۲۹. (دوره کامل) ۲۷. حسن مرسلوند، همان.

۲۸. قرآن مجید (متن کامل). به خط استاد سید حسین میرخانی. تهران، احمد اخگر، ۱۳۲۷.

۲۹. آزادی‌پور طباطبایی. «اخگر مرد شمشیر و قلم». روزنامه بهار ایران، سال ۱۳۳۲. ش ۸۶۸ ص ۱.

منجر شد.<sup>۳۰</sup> در این میان، احمد اخگر، همراه با ۲۹ تن دیگر از نمایندگان هوادار دکتر محمد مصدق، ضمن مذاکراتی درباره مرامنامه و نظامنامه فراکسیون وطن، این فراکسیون را به فراکسیون نهضت ملی، تبدیل کردند.<sup>۳۱</sup>

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ اخگر به وسیله عمال شاه دستگیر شد و به زندان افتاد و پس از خلاصی از زندان در عین گوشه‌نشینی باز هم از تلاش بازنایستاد و با حضور در انجمنهای ادبی و چاپ مجدد قرآن مجید، اثر دیگری تحت عنوان راهنمای قرآن (در علم تجوید) به سال ۱۳۳۲ ش. منتشر کرد... و به گنجینه آثار فرهنگی و اجتماعی خود افزود.<sup>۳۲</sup>

آخرین مطلب سیاسی‌ای که درباره سرهنگ احمد اخگر در منابع تاریخی ذکر شده این است که در سال ۱۳۴۲ جبهه ملی در نظر داشت احمد اخگر را در دوره بیست و یکم مجلس شورای ملی برای نمایندگی شهر بوشهر نامزد کند اخگر پذیرفت؛ اما به علت فرمایشی بودن انتخابات از این تصمیم اعلام انصراف داد و محمدباقر بوشهری پس از کناره‌گیری احمد اخگر به مجلس راه یافت.<sup>۳۳</sup>

باری، سرهنگ احمد اخگر، در مجموع، دهه پایانی عمر خود را در خدمات ادبی سپری کرد و آنی از نوشتن و خواندن، مشاعره و سرودن شعر فارغ نبود و به خصوص در کار شعر و شاعری همت و استقامت فراوانی داشت. دیوان شعر او ۳۰۰۰ بیت مشتمل بر غزلیات، چکامه‌ها، رباعیات و قطعات مختلف است که در نوع خود از فصاحت و بلاغت برخوردار بوده از انساندوستی او حکایت می‌کند.<sup>۳۴</sup> دیوان او تا به امروز به صورت کامل به چاپ نرسیده اما جزواتی به طور مجزا از این دیوان، استخراج و منتشر شده است.<sup>۳۵</sup>

سرهنگ احمد اخگر، سرانجام، در دوم بهمن ماه سال ۱۳۴۸ و در سن ۸۰ سالگی در بیمارستان شماره ۲ ارتش چشم از جهان فرو بست و پیکرش در امامزاده عبدالله به خاک سپرده شد.<sup>۳۶</sup>

۳۰. مسعود حجازی. رویدادها و داوریها. تهران، نیلوفر، ۱۳۷۵، ص ۴۲۵ و ۴۲۶.

۳۱. حسین مکی. سالهای نهضت ملی. تهران، علمی، ۱۳۷۰، ص ۲۴۶.

۳۲. «پشت شیشه کتابفروشیها»، مجله سخن، س ۱۳۳۴، ش ۱۲، ص ۱۱۳.

۳۳. محمدعلی سقری. قلم و سیاست. تهران، نامک، ۱۳۷۳، ج دوم، ص ۵۴۳.

۳۴. نورالله لارودی. اسیران، تهران، شرکت سهامی چاپ، ۱۳۳۲، ص ۲۴۴.

۳۵. اسماعیل مهجوری. دانشمندان و رجال مازندران، بی‌جا، شرق، ۱۳۵۳، ص ۱۶۸.

۳۶. حسن مرسلوند. همان.





احمد اخگر | ۱۳۲۶-۱۳۶۳ خ

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

### مهر وطن

تسا مهر وطن در دلم انگیخته دارم  
 خون دلم از دیده به رخ ریخته دارم  
 مو حافظ سر هست و قشون حافظ کشور  
 دل را به قشون وطن آویخته دارم  
 در راه دفاع وطن پاک، شب و روز،  
 بر روی عدد تیغ بسر آهیخته دارم  
 این آب و گلیم ارث ز اجداد رسیده است  
 خون دل خود بسا گیش آمیخته دارم  
 تاریخته تاریخ وطن کلک مورخ  
 آب رخ دشمن به زمین ریخته دارم  
 هر چند که بگسیخته شیرازه ز اول  
 بس فخر به این رشته بگسیخته دارم  
 هرگز نرسد دست طلب دامن مطلوب  
 تا طفل دل از مدرسه بگریخته دارم  
 «اخگر» نکند شکوه ز بیگانه و از خویش  
 با دست خود این خاک به سر ریخته دارم

### سرچشمه گناه

گناه دل همه سرچشمه‌اش نگاه من است  
 چو دید چشم بخواهد دل؛ ار ندید نخواست  
 به خانقاه اگر از ریا روم به جهیم  
 درون روشن اگر نیست در بر حق بین  
 چه عذر آورم ار رو سپید و دل سیه است  
 اسیرم ار که نباشد مه‌ار نفس به دست  
 ز مدح خویش چه سودی برم به گاه حساب  
 به سنگلاخ جهان وین همه نشیب و فراز  
 چگونه تکیه به لرزان جهان زخم از حق  
 چگونه روی سپید از جهان روم با آنک  
 نتیجه‌ای که گرفتم ز عمر پر از رنج  
 یگانه دلخوشی من به عمر پر جنجال  
 گرفته «اخگر» این تجریت به دوره عمر

نگاه من به بدان باعث گناه من است  
 خطای دل همه سرمنشأش نگاه من است  
 رهی که می‌بردم راست خانقاه من است  
 هماره تیره‌تر از شام صبحگاه من است  
 دل سپید، سیه روز عذرخواه من است  
 غلامم ار به عمل نفس پادشاه من است  
 گه حساب به تنها عمل گواه من است  
 ره صفا و حقیقت یگانه راه من است  
 چو لطف و فضل خداوند تکیه‌گاه من است  
 معرفت عمل نامه سیاه من است  
 دل شکسته ز غم سینه پر آه من است  
 همان فقیرنوازی گاه گناه من است  
 وبال، مال من و عز و جاه، چاه من است

### عمر انسان

عمر انسان در زمانه چند سالی بیش نیست  
 رفت ماضی از کسف و آینده ناپیدا بود  
 سالهای عمر ما هم جز خیالی بیش نیست  
 پس برای مرد عاقل غیر حالی بیش نیست

(سخنوران نامی معاصر ایران، ج اول، ص ۱۹۲-۱۹۶)